

پارک صلح: بهره‌وری محیط‌زیستی از فرصت‌های مرزی

مریم کبیری‌هندی^۱
افشین دانه‌کار^۲

چکیده: نرخ رو به رشد جمعیت در کنار کاهش ذخایر طبیعی نگرانی‌هایی را در مجامع بین‌المللی در خصوص احتمال بروز مناقشات بر سر منابع طبیعی به‌ویژه آب در قرن حاضر برانگیخته و سبب شده است تا در دهه‌های اخیر اتخاذ رویکردهای فراملی نظیر استقرار پارک صلح مورد توجه کشورهای جهان قرار گیرد.

پارک‌های صلح شکلی از نواحی حفاظت‌شده فرامرزی هستند که به طور رسمی به حفاظت و نگهداری از تنوع زیستی، منابع طبیعی و ارزش‌های فرهنگی مرتبط با آن و همچنین ترویج صلح و همکاری اختصاص یافته‌اند. اتخاذ چنین رویکردی در ایران نیز با توجه به جایگاه کشور در منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه، وجود مرزهای طولانی با کشورهای همسایه و حضور ۱۸ منطقه مهم تحت مدیریت محیطی زیست در مناطق مرزی، می‌تواند از اهمیت خاصی در حفظ طبیعت و گسترش روابط و همکاری‌های منطقه‌ای برخوردار باشد. در این نوشتار، تلاش شده تا ضمن اشاره به کارکردهای پارک صلح، فرصت‌های موجود در ایران برای استقرار این نواحی بررسی گردد.

واژگان کلیدی: پارک صلح، مناطق حفاظت‌شده مرزی، حفاظت محیط زیست، مناطق مرزی، ایران.

۱. خانم مریم کبیری‌هندی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد محیط‌زیست دانشگاه تهران، دانشکده منابع طبیعی

۲. دکتر افشین دانه‌کار، دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده منابع طبیعی

danehkar@ut.ac.ir

مقدمه

انسان‌ها برای بقای خود به محیط زیست و منابع طبیعی وابسته هستند. عوامل زیست محیطی را به ندرت می‌توان به عنوان عامل مناقشه‌برانگیز به حساب آورد زیرا اغلب ایدئولوژی، قومیت و اقتصاد موجب وقوع مناقشات خشونت‌آمیز می‌شوند. با این وجود پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تنش‌های زیست محیطی و استخراج منابع طبیعی می‌تواند شدت و طول مدت مناقشه را افزایش داده و رفع آن را پیچیده نماید. تلاش برای کنترل یا دستیابی به منابع طبیعی نادر یا تجدیدناپذیر می‌تواند به وقوع مناقشه بیانجامد. اگر دستیابی به زمین، جنگل، آب یا منابع حیات وحش موجب محرومیت یا به حاشیه رانده شدن گروه خاصی شود آن‌ها به اهداف آسانی برای اعمال نفوذ سیاسی تبدیل می‌شوند. منابع طبیعی با ارزش می‌توانند هزینه‌های لازم برای عملیات نظامی را تأمین نموده و موجب پایداری مناقشه شوند. امید برقراری صلح ممکن است از طریق افراد یا جناح‌هایی که از شرایط مناقشه سود می‌برند به تدریج کم‌رنگ شود. به نظرمی‌رسد باتوجه به نرخ رو به رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای منابع، در دهه‌های آینده به‌طور قابل توجهی مناقشات بر سر منابع طبیعی چند برابر شود. از این‌رو پیش‌بینی می‌شود که فشارهای جمعیتی و توسعه شهری، دسترسی نابرابر و کمبود زمین، و تپه‌سازی منابع به‌طور گسترده‌ای تشدید شود که این امر بر ثبات محیط‌های روستایی و شهری اثر خواهد گذاشت. تغییرات آب و هوایی نیز که به‌طور روزافزونی به عنوان یک تهدید برای امنیت بین‌المللی در نظر گرفته شده، تنش‌های موجود را تشدید کرده و با ترسیم مجدد نقشه‌های دسترسی به آب، امنیت غذایی، شیوع بیماری، مرزهای ساحلی و توزیع جمعیت احتمالاً مناقشات جدیدی را به همراه خواهد آورد (UNEP, 2009:8). از این‌رو هشدار مقامات عالی‌رتبه دولت‌ها و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی درخصوص جنگ آینده بر سر آب و آوارگان زیست محیطی به تدریج امیدی درخصوص همکاری زیست محیطی که بتواند ثبات و آرامش را میان طرفین درگیری ترویج دهد نشان داده است (Carius, 2006:59) همکاری‌های محیط زیستی می‌تواند در جلوگیری از خشونت‌های ناشی از استخراج منابع طبیعی، تخریب بوم‌سازگان‌ها^۱ یا نابودی منابع طبیعی که منبع معیشتی به شمار می‌روند، نقش ایفا نماید (Carius, 2007:4).

بنابراین، برخی اوقات مشارکت در موضوعات تنوع زیستی و حفاظت زیست محیطی فرصت بی‌طرفانه‌ای را برای آغاز اعتمادسازی و همکاری میان مردم کشورها فراهم می‌آورد تا به شیوه‌ای سازنده و نتیجتاً به دور از خشونت مناقشات خود را

۱. بوم‌سازگان (اکوسیستم) عبارت است از مجموعه موجودات زنده و محیط زندگی آن‌ها (اردکانی، ۲۸:۱۳۸۰).

برطرف نمایندند (Mulongoy & Chape, 2004:39; Carius, 2006:59). برقراری صلح زیست محیطی از تلاش‌های مشترک برای مدیریت زیست محیطی^۱ منابع به عنوان روشی برای رفع نا امنی‌ها و ایجاد روابط صلح‌آمیز میان طرف‌های درگیر، بهره‌می‌جوید. مدیریت زیست محیطی ممکن است بتواند با ترویج تعامل، اعتمادسازی و همکاری‌های فنی بر تنش‌های سیاسی فایق آید (Dabelko, 2006: 1).

به همین دلیل همکاری‌های منطقه‌ای در حفظ زیستگاه‌ها و منابع زیستی نظیر آب‌های آزاد، دریاها، رودخانه‌ها، حوزه‌های آب‌خیز مشترک و حتی تالاب‌ها و زیستگاه‌های پرندگان مهاجر آبی نقطه عطفی در امر حفاظت به شمار می‌روند که قبلاً سابقه نداشته است. تشکیل کنوانسیون‌های بین‌المللی، احداث ذخیره‌گاه‌های مشترک (برنامه‌های مشترک بین‌المللی)، شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای برای حفظ محیط زیست دریایی، کنوانسیون تنوع زیستی و دیگر کنوانسیون‌های مشابه جدا از ضعف‌ها و فقدان پشتوانه اجرایی پاره‌ای از آن‌ها از جمله اقداماتی هستند که برای رفع نارسایی‌های حفاظت انتزاعی مناطق در راستای بینش کل‌گرایانه نسبت به حفظ طبیعت و منابع زنده به وجود آمده‌اند (مجنونیان، ۱۳۷۹: ۲۴۸). این مقاله نیز به دنبال بررسی بهره‌گیری از فرصت‌های مرزی در حفظ محیط زیست است.

حفاظت فرامرزی

حفظ زیستگاه‌ها و حیات وحش در مناطق حساس و مشترک بین کشورهای مختلف گامی اساسی جهت هم‌سویی با ماهیت یک‌پارچه و ارگانیک طبیعت به شمار می‌رود و به عنوان درکی صحیح و اکولوژیک از ساختارها و کارکرد بوم‌سازگان‌ها محسوب می‌شود. پراکنش گونه‌ها در سطح جهان، جریان مواد و انرژی، راه‌یابی آلودگی‌ها تا دوردست‌ترین مناطق طبیعی امکان حفاظت و تحدید حدود مناطق تحت حفاظت را بسیار دشوار می‌کنند. در واقع می‌توان گفت با جای‌گیری سیستم‌های انسان ساخته بین اکوسیستم‌های طبیعی و گسترش شبکه‌های ارتباطی و نفوذ مواد، انرژی و زیست‌مندان^۲ عملاً مرزهای قراردادی مفهوم خود را از دست داده و تضاد خود را با ماهیت یگانه طبیعت آشکار می‌کنند (مجنونیان، ۱۳۷۹: ۲۴۹). این امر موجب شده است که

۱. فرایندی که در آن تخصیص منابع برای دستیابی به اهداف، باتوجه به پایداری ساختار و عملکردهای بوم‌شناختی صورت می‌گیرد.

۲. موجودات زنده

سازمان‌های بین‌المللی رویکرد اکورژیون^۱ را برای حفاظت از تنوع زیستی و زیست‌گاه به اجرا درآوردند (Ali, 2011: 6). به همین دلیل همکاری‌های منطقه‌ای در حفظ زیست‌گاه‌ها و منابع تنوع‌زیستی^۲ نظیر آب‌های آزاد، دریاها، رودخانه‌های مرزی، حوزه‌های آبخیز مشترک و حتی تالاب‌ها^۳ و زیستگاه‌های پرندگان مهاجر آبی نقطه عطفی در امر حفاظت به‌شمار می‌روند (مجنونیان، ۱۳۷۹: ۲۵۰). حفاظت فرامرزی می‌تواند شامل رویکردهای مختلف باشد. ماهیت ارتباطی میان نواحی حفاظت شده می‌تواند از به رسمیت شناختن قانونی نواحی حفاظت‌شده^۴ فرامرزی به عنوان نهادهای کاری در دو یا چند کشور ذی‌نفع با حمایت بالاترین سطح سیاسی تا برنامه‌ریزی ساده‌تر و نه چندان رسمی همکاری و تبادل اطلاعات، مهارت و منابع متغیر باشد (Sandwith et al., 2001: 7-8). براساس اطلاعات شبکه نواحی حفاظت‌شده مرزی اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت^۵ (آی. یو. سی. ان)، ۱۸۸ منطقه حفاظت‌شده مرزی در سطح جهان وجود دارد و این پدیده چنان در حال گسترش است که کارگروه مجزایی تحت‌نظر کمیسیون جهانی نواحی حفاظت‌شده برای مطالعه آن‌ها ایجاد شد. به‌رغم وجود تعداد بی‌شماری از پهنه‌های حفاظتی مرزی بسیاری از آن‌ها به‌طور مؤثر مدیریت نشده و همچنین تعداد زیادی از نواحی حساس بوم‌شناختی بدون حمایت باقی مانده‌اند. برای مثال براساس مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۶ با استفاده از نقشه تأثیر نفوذ انسان و با

۱. باتوجه به این که رویکردهای کوچک مقیاس و سایت‌محور نتوانست به اهداف خود در زمینه حفظ محیط‌زیست دست یابند، صندوق جهانی حیات وحش رویکرد جامع، بلندمدت و بزرگ مقیاس اکورژیون را برای حفاظت از تنوع زیستی ایجاد نمود بر این اساس اکورژیون را می‌توان به عنوان واحد تقریباً بزرگ مقیاس از خشکی یا آب تعریف نمود که به لحاظ زیست‌شناختی متمایز بوده و از مجموعه‌ای از گونه‌ها، بوم سازگان‌ها و شرایط زیست محیطی حفاظت می‌کند. بنابراین رویکرد اکورژیون نیز شامل حفاظت و احیای کامل تنوع زیستی در مقیاس بزرگ مکانی و زمانی است (Trono and Cantos, 2002: 45).

۲. تنوع زیستی قابلیت تمایز بین موجودات زنده از هر منبع اعم از اکوسیستم‌های زمینی، دریایی و دیگر اکوسیستم‌های آبی، همچنین شامل ترکیبات اکولوژیک آن‌ها می‌باشد (کنوانسیون تنوع زیستی، ۱۹۹۲).

۳. شکلی از اکوسیستم‌های آبی شامل دریاچه‌ها، آبگیرها، برکه‌ها، جویبارها و آب‌های کم‌عمق ساحلی است و به سبب اهمیت برای پرندگان مهاجر آبی و تولیدات طبیعی و وابستگی جامعه محلی به آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴. منطقه‌ای از خشکی یا دریا است که به‌طور خاص برای حفظ و نگهداری از تنوع زیستی و منابع طبیعی و فرهنگی همراه آن کنار گذاشته و از طریق قانونی یا شیوه‌های رایج سنتی تحت حفاظت و مدیریت قرار می‌گیرد (مجنونیان، ۱۳۸۰: ۴۱۵).

5. International Union for Conservation of Nature (IUCN)

کمک سامانه اطلاعات جغرافیایی صورت گرفت، نشان داد که ۱۰۴ ناحیه بکر مرزی مربوط به ۶۱ کشور، به طور رسمی در هیچ برنامه حفاظتی قرار ندارند. تعداد نواحی حفاظت‌شده با حمایت نهادهایی مانند بانک جهانی، آی. یو. سی. ان و سازمان‌های غیردولتی از تعداد ۵۹ ناحیه در ۱۹۸۸ به حدود ۲۲۷ ناحیه در ۲۰۰۷ افزایش یافت (Ali, 2007:7). سازمان آی. یو. سی. ان گونه‌شناسی به شرح زیر را برای حفاظت فرامرزی ارائه نموده است:

۱. نواحی حفاظت‌شده مرزی: نواحی از خشکی یا دریا هستند که در میان دو یا تعداد بیشتری از مرزهای میان کشورها، بخش‌های فرعی ملی نظیر استان‌ها و بخش‌ها، نواحی خودمختار یا مناطق فراتر از حدود حاکمیت و اختیارات ملی قرار دارند که به‌طور ویژه مناطقی را به حفظ و حمایت از تنوع زیست‌شناختی و منابع طبیعی و فرهنگی مرتبط با آن اختصاص داده و از طریق قانون یا سایر ابزارهای مؤثر به صورت مشترک مدیریت می‌شوند.

۲. پارک‌های صلح: نواحی حفاظت‌شده فرامرزی هستند که به‌طور رسمی به حفاظت و نگهداری از تنوع زیستی، منابع طبیعی و ارزش‌های فرهنگی مرتبط با آن و همچنین ترویج صلح و همکاری اختصاص یافته‌اند (Sandwith et al., 2001: 3).

۳. نواحی حفاظتی (و توسعه) مرزی: مثال‌های متعددی درخصوص طرح‌های حفاظت مرزی وجود دارد، جایی که احتمالاً، اما نه لزوماً یک ناحیه حفاظت‌شده سیمایی از منظر منطقه است که در چارچوب مدیریت مشارکتی از اهداف مربوط به حفاظت و توسعه پایدار حمایت می‌کند (Sandwith & Besançon, 2005: 5).

۴. دالان‌های مهاجرت مرزی: آخرین گروه طرح‌های حفاظت شامل مکان‌هایی هستند که نیازهای زیست‌گاهی گونه‌های جانوری، نواحی را در کشورهای مختلف در بر می‌گیرد مانند مسیر مهاجرت.

این مسیرها می‌توانند دو یا تعداد بیشتری از کشورهای همجوار را برای مثال به‌منظور جابه‌جایی فصلی یا نواحی برای تأمین غذا، استراحت یا مناطق زادآوری یک گونه مهاجر مانند پرندگان، لاک‌پشت دریایی یا وال‌ها باشد، شامل شود (Sandwith & Besançon, 2005:6).

1. Transboundary Protected Areas

2. Transboundary Conservation (and Development) Areas

3. Transboundary Migratory Corridors

پیشینه تاریخی

استقرار ناحیه حفاظت‌شده مرزی به‌عنوان ابزاری مشارکتی به نیمه اول قرن بیستم برمی‌گردد که رهبران لهستان و چکسلواکی برای حل‌وفصل اختلاف مرزی در پایان جنگ جهانی اول تلاش کردند با امضای پروتکل کراکو و ایجاد سه پارک مشترک در امتداد مرزهای خود تنش‌های سیاسی را کاهش داده و مانع بروز مناقشه شوند (Knight, 2011: 84; Barquet et al., 2010: 2). این در حالی است که بسیاری از پارک‌های مرزی نیز میان کشورهای استقراری یافته که هیچ‌گاه درگیر مناقشه نبوده‌اند، در این مورد می‌توان به نخستین پارک صلح جهان اشاره نمود که در سال ۱۹۳۲ به صورت مشترک از سوی کانادا و آمریکا ایجاد شد. این پارک رسماً یادآور صلح و تداوم روابط دوستانه این دو کشور، همچنین مدیریت مشارکتی منابع طبیعی آن‌ها است (Sheppard, 2001: 72; Ali, 2007: 2; Mittermier et al., 2005: 28).

اهداف پارک‌های صلح

طراحی و استقرار پارک‌های صلح باید با همکاری دولت‌ها و تنها شامل آن دسته از نواحی شود که هدف ترویج صلح را به صراحت اهداف حفاظت و مدیریت به رسمیت بشناسد. این پارک‌ها باید بر این اساس شکل گیرند که امنیت بشری، حکمرانی خوب، توسعه عادلانه و احترام به حقوق بشر به طور متقابل به یکدیگر وابسته بوده و به عبارتی جدایی‌ناپذیر هستند. صلح به بهترین وجه از طریق پرداختن به علل ریشه‌ای مناقشات و ترویج توسعه پایدار، توجه به نقش قانون و تبعیت از حقوق بشری اعم از مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی، برقرار می‌شود. از این‌رو، می‌توان اهداف پارک‌های صلح را به صورت زیر در نظر گرفت (Sandwith et al., 2001: 4-5):

۱. حمایت از همکاری بلندمدت در حفاظت از تنوع زیستی، خدمات بوم‌سازگان‌ها، ارزش‌های طبیعی و فرهنگی میان مرزها؛
۲. ارتقای مدیریت بوم‌سازگان در سطح منظر از طریق مدیریت و برنامه‌ریزی یک‌پارچه زیست‌منطقه‌ای^۱ کاربری اراضی؛
۳. اعتمادسازی، درک، مصالحه و همکاری میان کشورها، جوامع، نهادها و سایر ذی‌ربطان؛
۴. جلوگیری و یا رفع تنش‌ها، از جمله دستیابی بیش از حد به منابع طبیعی؛
۵. رفع درگیری‌های مسلحانه و ایجاد آشتی پس از درگیری؛

۱. Bio Regional: مناطق زیستی عمده که در یک اقلیم واحد از اکوسیستم‌های طبیعی مشابه برخوردارند.

۶. اشتراک‌گذاری تجربیات و مهارت‌های حاصل از مدیریت تنوع زیستی و فرهنگی شامل پژوهش‌های مشارکتی و مدیریت اطلاعات؛
۷. ترویج برنامه‌های مشارکتی کارآمدتر و مؤثر؛
۸. ارتقای دسترسی و بهره‌برداری عادلانه و پایدار منابع طبیعی مطابق با حاکمیت ملی؛
۹. ارتقای منافع حفاظت و افزایش تسهیم منافع حاصل از آن در میان مرزها بین ذی‌ربطان .

منافع حاصل از ایجاد پارک‌های صلح

ناحیه حفاظت‌شده مرزی می‌تواند منافع حاصل از نواحی حفاظت‌شده را افزایش دهد. ابتکارات فرامرزی متخصصان حفاظت را قادر می‌سازد تا به جای توقف در مرزهای سیاسی که به ندرت با نظام‌های طبیعی سازگار است از این مرزها عبور کرده و به حفاظت از یک بوم‌سازگان مرزی بپردازد. اهداف این مناطق را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

حفاظت از تنوع زیستی

طبق فلسفه بیورژین‌گرایی گمان می‌شود که کره زمین از مناطق آلی یا زیستی به هم پیوسته، اما مجزا تشکیل شده است. بیورژین‌یون محلی است که براساس ترکیب، توپوگرافی و بیوتای^۱ خود و از طریق طبیعت و نه به وسیله اصول انسانی و قانون تعیین و اداره می‌شود. طرفداران این فلسفه فرهنگ‌های محلی و ریشه‌های مادی و نمادین آن در منظر را گرامی داشته و در حمایت از آن، همسان‌سازی و نیروهای بیگانه جهانی شدن را رد می‌کنند. فرض بر آن است که برخی از موانع قراردادی محیطی، در قالب مرزهای اداری و ملی از یک‌پارچگی بوم‌شناختی جریان‌های زیستی بیورژین‌یون‌ها مانند حوضه آبخیز، کوه‌ها و حوضه رودخانه‌ها (همچنین به صورت بیوم‌ها،^۲ زیست‌کره‌ها،^۱ سرزمین‌ها

۱. تمامی موجودات زنده اعم از گیاه، جانور یا موجودات ذره‌بینی که در ناحیه معینی مستقر هستند بیوتا گفته می‌شوند (اردکانی، ۱۳۸۰: ۱۹).

۲. بیوم‌ها عبارتند از: گستره‌های جغرافیایی نسبتاً وسیع که در هریک از آن‌ها گروه‌های گیاهی و جانوری تقریباً همگنی مستقر می‌باشند (همان ماخذ: ۳۲).

یا اکوریژئون‌ها تعریف شده‌اند) جلوگیری می‌کنند. در مقابل، زیستگاه‌های پیوسته و تجزیه‌نشده از فرایندهای بوم‌شناختی مهمی حمایت کرده و نیازهای زیستگاهی گونه‌های کلیدی و شاخص را تأمین می‌کنند. آن‌ها با حفظ مخزن ژنتیک متنوع و وسیع‌تر همچنین با در بر گرفتن گستره‌های مهاجرتی مورد نیاز برای پستانداران بزرگ می‌توانند از تنوع زیستی بیشتری حفاظت نمایند (Wolmer, 2003: 2).

طرح‌های حفاظت فرامرزی نیز اغلب دالان‌های زیست‌شناختی را ایجاد می‌کنند و از این طریق موجب برقراری مجدد پیوستگی بیورژئون‌ها و احیای عملکردهای بوم‌سازگان می‌شوند. نواحی حفاظت‌شده فرامرزی با ایجاد پیوند میان طبیعت و مناظر، از مهاجرت گونه‌ها به‌ویژه گونه‌های جانورانی حمایت می‌کنند. این نواحی از طریق اقدامات و همکاری‌های مشترک برون‌مرزی می‌توانند موجب کاهش خطر از دست‌دادن تنوع زیستی و حفظ جمعیت گونه‌ها شوند. علاوه بر این، نواحی حفاظتی گسترده مانند نواحی حفاظت‌شده فرامرزی که از زیستگاه‌های غنی کربن حفاظت می‌کنند، امکان دارد بتوانند انعطاف‌پذیری بوم‌سازگان‌ها را برای سازگاری با تغییرات آب‌وهوایی افزایش دهند (Vasilijević, 2011: 5).

مشارکت فراتر از مرزهای سیاسی مزایایی مدیریتی را همراه دارد که به حفاظت موثرتر تنوع زیستی می‌انجامد برای مثال، مدیریت گونه‌های مهاجم که اثر منفی بر گونه‌های بومی دارد، اقداماتی که برای کنترل آفات و بیماری‌ها، صید قاچاق و تجارت غیرقانونی گونه‌ها صورت می‌گیرد، زمانی که به صورت مشترک در سراسر مرزها هدایت شود از نتایج بهتری برخوردار خواهد بود. با این وجود، مرزهای باز بدون اجرای مؤثر اقدامات بازدارنده، تهدیدی است که می‌تواند موجب افزایش سطح صید قاچاق (یا تجارت غیرقانونی) گردد. برنامه‌های مشترک احیاء، معرفی مجدد گونه‌ها و مدیریت مهار آتش نیز از طریق مشارکت فرامرزی تسهیل می‌شود. تلاش‌های مشترک بین کشورها می‌توانند از طریق به اشتراک گذاشتن تجهیزات و زیرساخت‌های پرهزینه (مانند هواپیمای گشت) موجب کاهش هزینه‌ها شود و همچنین می‌تواند با سازمان‌دهی فعالیت‌های مشترک گشت، تحقیقات و عملیات نجات، منافی را از لحاظ منابع انسانی ایجاد نماید. برنامه‌های مشترک پژوهشی می‌تواند با از بین بردن دوباره کاری، شانس کمک‌های مالی را ارتقا، مهارت‌ها را افزایش و راه‌حل پویا و خلاقانه‌تری را ترویج دهد و

۱. منظور از زیست‌کره کلیه نقاط قابل زندگی بر روی کره زمین است که واجد حیات بوده و یا استعداد وجود حیات را دارا می‌باشد. محیط‌های قابل زندگی کره زمین عبارتند از: هوا، خشکی‌ها و محیط‌های آبی (همان‌ماخذ:

به روش‌های استاندارد پایش منجر شود. به‌طور کلی اشتراک‌گذاری تجربیات در مدیریت حفاظت می‌تواند موجب پیشرفت روش‌های کاربردی و اجرای علمکرد مناسب شود. ضمناً اشتراک‌گذاری چنین اطلاعاتی موجب ایجاد روابط اجتماعی بهتر و اعتمادسازی میان همکاران می‌شود که برای علمکرد صحیح و موفقیت همکاری بسیار حائز اهمیت است. یکی از مهم‌ترین مزایای بوم‌شناختی زمانی حاصل می‌شود که طرفین بتوانند از عهده توسعه و اجرای موفقیت‌آمیز راهبردهای هماهنگ حفاظت بر آیند. این امر بدون تعیین اهداف مشترک، برنامه‌ریزی اجرایی دقیق برای حفاظت و مهم‌تر از همه دیدگاه مورد توافق دوجانبه برای یک ناحیه خاص امکان‌پذیر نیست. فرایندی که منجر به هماهنگ‌سازی اقدامات حفاظت شود می‌تواند طولانی، پویا، پیچیده و دشوار باشد و طرفینی که بتوانند به آن هدف رسیده و به پیاده‌سازی راهبرد مشترک ادامه دهند در حقیقت طرح ابتکار فرامرزی را با موفقیت اجرا کرده‌اند (Vasilijević, 2011: 68-69).

رفع مناقشات مرزی

پارک‌های صلح می‌توانند نقش مهمی در حل و فصل مناقشات مرزی ایفا نمایند و ابزار مؤثری برای کاهش تنش‌های سیاسی باشند. با در نظر گرفتن این نکته که تعداد قابل توجهی از مناقشات سراسر جهان حل نشده باقی مانده و ابتکارات و اقدامات سیاسی در مورد آن‌ها با شکست مواجه شده است، اهداف حفاظتی مشترک می‌تواند انگیزه‌ای برای رفع مناقشات دائمی در این مناطق فراهم آورد (Mittermier et al., 2006: 41). از این‌رو نواحی حفاظت‌شده مرزی می‌توانند هر یک از نقش‌های ژئوپلیتیک زیر را ایفا نمایند:

- به عنوان نمادی از همکاری پیوسته میان مللی که از پیشینه صلح برخوردارند عمل نمایند؛
- نقطه آغازی را برای گفتگو میان کشورهای همسایه فراهم آورند که ممکن است به دلیل گرایش‌های اقتصادی؛ اجتماعی؛ زیست‌محیطی و غیره به شدت دچار اختلاف شده باشند؛
- افزایش امنیت و کنترل منابع در نواحی مرزی به دنبال داشته باشند؛
- ایجاد فرصت مشترک به منظور سرمایه‌گذاری برای طبیعت‌گردی و توسعه پایدار در مقیاس منطقه‌ای محسوب می‌شوند که گام مهمی در بازسازی پس از درگیری به شمار می‌رود؛

- شبکه ارتباطی غنی و انعطاف‌پذیری را میان مدیران نواحی حفاظت‌شده کشورهای درگیر، سایر عوامل دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد محلی و بین‌المللی و سایر اجتماعات اهداکننده گسترش می‌دهند (Nam & Awali, 2008: 1).

منافع اجتماعی

در بسیاری از بخش‌های جهان مرزهای بین‌المللی کنونی به صورت قراردادی از طریق قدرت‌های استعماری ترسیم‌شده که کمترین توجهی به جدایی اجتماعات بومی و میراث فرهنگی نداشته است. این امر در برخی از موارد منجر به بروز ابهاماتی در تابعیت و وفاداری ملی اجتماعات مرزی می‌شود. افزایش سوءظن و به حاشیه رانده‌شدن سیاسی نواحی مرزی در برخی موارد موجب بروز نابرابری آشکار در حقوق و فرصت‌های مرتبط با فرهنگ، زبان و رسوم میان مردم می‌شود. چنین شرایطی می‌تواند به افزایش فعالیت‌های ضدملی یا جنایی از جمله قاچاق کالا و افراد و ایجاد و یا تشدید مناقشات در مناطق مرزی منجر شود (Sandwith & Besançon, 2007: 1-2). از این‌رو همکاری مناسب فرامرزی می‌تواند موجب تسهیل در جابجایی آسان‌تر انسان و اتحاد مجدد خانواده‌ها شود. این نواحی اغلب محل رویدادهای اجتماعی، گردهمایی‌های غیررسمی و شکل‌گیری روابط دوستانه، سازمان‌دهی شکاربانان نواحی حفاظت‌شده و حتی جایگاه خرید و فروش فرآورده‌های کشاورزی یا سایر محصولات محلی است. این رویدادها برای آشنایی با فرهنگ، تاریخ و زبان کشور همجوار و در نهایت برای افزایش علاقه به همکاری‌های مشترک بسیار حائز اهمیت هستند. همچنین فرصت‌هایی برای آموزش جنگلبانان و تقویت روحیه کارکنان نواحی حفاظت‌شده در طرح‌های فرامرزی وجود دارد. امروزه، نواحی حفاظت‌شده به عنوان پارک‌هایی با مردم ترویج می‌شوند و بنابراین هر نوع منطقه تحت مدیریت زیست‌محیطی از جمله نواحی فرامرزی از رویکردهای مشارکتی در برنامه‌ریزی و مدیریت حمایت می‌کند. این نواحی ضمن در نظر گرفتن اصول پایداری و تعادل بوم‌شناختی از بهره‌گیری اجتماعات محلی از منافع حاصل از مدیریت نواحی حفاظت‌شده و خدمات زیست‌محیطی که توسط مناطق فراهم می‌شود، حمایت می‌کنند. از آنجا که گرایش‌های بوم‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نهادی کشورها متفاوت است، امکان ایجاد مناقشه میان آن‌ها وجود دارد. اما وجه تمایز ناحیه حفاظت‌شده فرامرزی با سایر نواحی این است که طرفین درگیر در آن نه تنها به دنبال اهداف مشترک فرابخشی و مشارکت گروه‌های مختلف ذی‌نفع هستند، بلکه همچنین به دنبال عبور از مرزهای بین‌المللی می‌باشند تا بتوانند کل یک بوم‌سازگان را تحت پوشش قرار دهند (Vasiljević, 2011:69).

منافع اقتصادی

نواحی حفاظت‌شده مرزی می‌توانند از طریق گردشگری منافع اقتصادی قابل توجهی برای جامعه محلی و به‌طور کلی کشور داشته باشند. با توجه به این که گردشگری طبیعت‌محور، تقریباً هفت درصد از هزینه‌های گردشگری و از هزینه کل سفرهای بین‌المللی را به خود اختصاص می‌دهد، این نواحی همانند سایر مناطق تحت مدیریت از ظرفیت بالایی برای طبیعت‌گردی برخوردارند (Mittermeier et al., 2006: 49). از دیگر منافع اقتصادی می‌توان به تولید ذخیره پایدار آبی با کیفیت در نواحی کوهستانی اشاره نمود. با توجه به این که حوضه‌های آبی، ۴۵/۳ درصد از سطح کره زمین را به خود اختصاص داده‌اند، شکی نیست کاهش ذخایر آبی در آینده موجب بروز مناقشاتی بین کشورها خواهد شد (Budowski, 2003: 3).

پشتوانه‌های حقوقی توسعه مناطق حفاظت‌شده مرزی

جهانی‌شدن یکی از خصوصیات کلیدی دنیای امروز است که به دنبال گسترش فناوری، تجارت، حمل‌ونقل، ایده‌ها، ارتباط و گستره وسیعی از سایر جنبه‌ها به وقوع پیوسته است. به دنبال این گرایش جهانی در برقراری ارتباط و ایجاد شبکه ارتباطی پیشرفته، حفاظت از طبیعت نیز راهی برای حذف موانع میان مرزهای بین‌المللی دولت‌ها یافت تا به تبادل ایده و همکاری در مدیریت بپردازد. هر چند توجه انسان به حفظ طبیعت و حیات وحش از سابقه‌ای تاریخی برخوردار است، اما درک بشر از نقش نواحی حفاظت‌شده به‌طور چشمگیری به موازات رویدادهای جهانی تغییر و تحول یافته است (Vasilijević, 2011: 3). یک سال پس از تأسیس اولین پارک صلح جهانی، سایر کشورهای اروپایی ایده حفاظت فرامرزی را در آفریقا مورد توجه قرار داده و در ۱۹۳۳ کنوانسیون لندن را در ارتباط با حفاظت از جانوران و گیاهان در آفریقا به امضا رساندند. به نظر می‌رسد این تلاش در ادامه اولین کنوانسیون چندجانبه در زمینه حفاظت بین‌المللی سال ۱۹۰۰ (کنوانسیون حفاظت از حیات‌وحش، پرندگان و ماهیان در آفریقا) صورت گرفت. هرچند کنوانسیون مذکور به‌طور خاص حاوی بند فرامرزی نبود و هیچ‌گاه به مرحله اجرایی‌شدن نیز نرسید (Chester, 2008: 5).

اما پایان دهه ۱۹۸۰ قرن بیستم زمانی بود که طرح‌های حفاظت مرزی در مقیاس جهانی به‌طور قابل توجهی همکاری‌های بین‌المللی را به‌سوی حفظ تنوع زیستی، توسعه اجتماعات محلی و روابط سوق داد (Vasilijević, 2011: 3) به‌گونه‌ای که پس از کنگره جهانی سال ۱۹۷۷ در سامرست آفریقای جنوبی، به صراحت اذعان شد که مشارکت نواحی حفاظت‌شده مرزی به ترویج صلح و پایداری منجر می‌شود. طرح‌های

نواحی حفاظت‌شده با هدف توجه به منافع فراتر از مرزها در پنجمین کنگره جهانی پارک‌های آی. یو. سی. ان نیز (دوربان آفریقای جنوبی در ۲۰۰۳) از جایگاه اصلی برخوردار بود. سخنرانی‌ها و کارگاه‌های آموزشی متعدد در تمامی گروه‌ها، موضوعات و جلسات کنگره جهانی پارک‌ها سبب شد تا ملاحظات فرامرزی در نتایج نهایی کنگره شامل پیمان^۱ دوربان، طرح مدیریت دوربان و پیام به کنوانسیون تنوع زیستی قرار گیرد (Vasiljević, 2011: 3-4).

شکل‌گیری الگوی پارک صلح براساس اصول بین‌المللی و زیست‌محیطی می‌باشد که در بسیاری از معاهدات، کنوانسیون‌ها، بیانیه‌ها و منشورها به امضا و تأیید کشورهای مختلف رسیده است. اصول بین‌المللی مرتبط با صلح و امنیت، همکاری‌های بین‌المللی، حفاظت و حق محیط زیست سالم، حق توسعه پایدار که بر ارکان اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناختی استوار است، همچنین عدالت میان و درون‌نسلی و شناسایی مسائل زیست‌محیطی به عنوان منافع یا نگرانی‌های مشترک نوع بشر که در توافق‌نامه‌ها و بیانیه‌هایی مانند منشور سازمان ملل، کنفرانس محیط زیست بشری (بیانیه استکهلم)، راهبرد حفاظتی مربوط به سازمان جهانی حفاظت از طبیعت، صندوق جهانی حیات‌وحش و برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد در ۱۹۸۰؛ کنفرانس محیط زیست و توسعه (بیانیه ریو) و دستور کار ۲۱، بیانیه اجلاس جهانی توسعه پایدار (ژوهانسبورگ)، برنامه محیط‌زیست ملل متحد، منشور جهانی طبیعت و زمین، کنوانسیون حفاظت و توسعه پایدار^۲ (کارپاتینز) که با ایده طبیعت بدون مرز از سوی برخی از کشورهای اتحادیه اروپا در ۲۰۰۳ شکل گرفته، به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر این، نشانه‌هایی از این الگو در هنجارهای جهانی مانند "به همسایه خود آسیب‌نرسان" و همچنین در اصول دستیابی به اطلاعات و فرایند دادرسی زیست‌محیطی که در کنوانسیون "ارزیابی اثرات فرامرزی اتحادیه اروپا" (کنوانسیون اسپو)^۳ و کنوانسیون "دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به قضاوت درخصوص مسائل زیست‌محیطی" (کنوانسیون آرهوس)^۴ به ثبت رسیده، نیز قابل مشاهده است (Fall, 2006: 76; Hsiao, 2011: 126-127).

-
1. Accord
 2. Carpathians
 3. Espoo Convention
 4. Aarhus Convention

ظرفیت‌های احداث پارک‌های صلح در ایران

ایران با دارا بودن حدود ۹ هزار کیلومتر مرز پس از چین حائز رتبه دوم جهانی از لحاظ طول مرز با کشورهای همسایه خود است به‌گونه‌ای که با ۱۵ کشور هم‌جوار می‌باشد. از مجموع خط مرزی ایران حدود ۴۷٪ آن مرز خشکی، ۲۰ درصد رودخانه‌ای و حدود ۳۳ درصد آن مرز دریایی را شامل می‌شود (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۳). همچنین، بیش از نیمی از استان‌های کشور در منطقه مرزی واقع شده‌اند (۱۶ استان). این مناطق به لحاظ ریختار طبیعی بسیار متنوع هستند و در مرزهای ایران، شکل‌هایی از عوارض دشتی، کوهستانی، رودخانه‌ای، تالابی، دریاچه‌ای و دریایی جلب‌نظر می‌کند (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۷۱). ایران بیشترین مرز خشکی (بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر) را با کشور عراق و بیشترین مرز رودخانه‌ای را از طریق رودخانه ارس (حدود ۶۰۰ کیلومتر) با کشور آذربایجان دارد (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۹). ایران با استفاده از موقعیت مرکزی و محوری خود می‌تواند به عنوان کانون صلح و همبستگی بین مناطق باشد، این در حالی است که تعدد کشورها و دولت‌های هم‌جوار ایران، تنها زمینه افزایش مشاجره‌ها را فراهم آورده است که ریشه اغلب در ناپایداری کشورها بوده است (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۹). در ادامه به برخی از تنش‌های بالقوه ایران با کشورهای هم‌جوار و فرصت‌های موجود اشاره می‌شود:

مرز ایران با کشور پاکستان حدود ۱۱ درصد خط مرزی ایران را به خود اختصاص می‌دهد که یک‌چهارم آن آبی (رودخانه‌ای) و سه چهارم آن خشکی و اغلب کوهستانی است. رودخانه‌های مرزی ایران و پاکستان عبارت از رود تلخاب (به طول ۹۳ کیلومتر)، رود نهنگ (به طول ۱۲۳ کیلومتر) و رود ماشکیل (به طول ۱۱ کیلومتر) است (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۳). منطقه حفاظت‌شده گاندو با وسعت حدود ۴۶۵ هزار هکتار در استان سیستان و بلوچستان در مرز پاکستان قرار دارد. ایران در هیچ دوره تاریخی از طریق مرزهای جنوب شرقی مورد تهدید نبوده است و این محدوده به دلیل جهت‌های متفاوت تهدید، عدم تعارض ژئوپلتیک، گسستگی‌های فضایی، امن‌ترین محور تاریخی برای ایران بوده است. اما پراکندگی بلوچ‌ها در دو کشور، قدرت هسته‌ای پاکستان، رقابت در آسیای مرکزی و مواردی از این دست می‌تواند از جمله منابع جغرافیایی تنش بین دو کشور باشد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

طول مرز با کشور افغانستان حدود ۱۰ درصد از مرزهای ایران را به خود اختصاص می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد آن خشکی و مابقی رودخانه‌ای است. رودخانه‌های هریرود (با ۵۷ کیلومتر)، هیرمند و سیخ سر (با ۵۵ کیلومتر) و دریاچه هامون (با ۲۴ کیلومتر) مرزهای آبی ایران و افغانستان را به خود اختصاص می‌دهد.

پناهگاه حیات وحش هامون با وسعتی بیش از ۲۹۳ هزار هکتار در استان سیستان و بلوچستان از مناطق تحت حفاظت مرزی ایران در این محدوده محسوب می‌شود (رضایی، ۱۳۸۴: ۳۶). هیرمند یکی از مهم‌ترین چالش‌ها بین افغانستان و ایران محسوب می‌شود و تاکنون ۱۲ بار باعث بروز بحران‌های دیپلماتیک بین دو کشور شده است و ۲۷ بار مذاکرات دو جانبه و مستقیم و یا قبول حکمیت برای حل و فصل آن صورت پذیرفته است. محاط بودن افغانستان در خشکی، بلوچ‌ها، حمایت‌های فرق، موادمخدر و پناهندگان افغان از دیگر منابع تنش بین دو کشور است (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

طول مرز مشترک ایران با ترکمنستان بیش از ۱۳ درصد خط مرزی کشور را شامل می‌شود که حدود ۳۴ درصد آن آبی و مابقی مرز خشکی است. رودهای اترک (۱۹۵ کیلومتر)، سومبار (۴۵ کیلومتر)، تجن یا هریرود (۱۶۷ کیلومتر) از رودهای مرزی ایران با ترکمنستان است (رضایی، ۱۳۸۴: ۴۹). همچنین مناطق حفاظت‌شده سرانی (حدود ۱۸ هزار هکتار) در خراسان شمالی و منطقه حفاظت‌شده ارس سیستان (حدود ۱۱۳ هزار هکتار) در خراسان رضوی در این منطقه مرزی واقع شده است. فضای سرزمین ایران و ترکمنستان، مکمل‌های ژئوپلیتیک هم هستند، همین عامل روابط دو کشور را از هنگام استقلال ترکمنستان در مسیری منطقی قرار داده است. امتداد و پیوستگی قوم ترکمن ایران با ترکمنستان، وابستگی ترکمنستان به آب ایران، عدم دسترسی ترکمنستان به آب‌های آزاد و رژیم حقوقی دریایی خزر را می‌توان از منابع بالقوه تنش بین دو کشور دانست (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

مرز مشترک ایران و جمهوری آذربایجان که حدود ۸ درصد خط مرزی ایران را به خود اختصاص می‌دهد به صورت ناپیوسته به میزان زیادی (۷۷٪) در تسلط مرز آبی در تماس با رودهای ارس (۴۲۷ کیلومتر)، بالهارود (۱۲۲ کیلومتر) و آستارا چای (۳۵ کیلومتر) است (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۷). ایران با جمهوری آذربایجان نیز مرز دریایی دارد که به سبب نهایی‌نشدن رژیم حقوقی دریای خزر نمی‌توان میزان آن را تعیین نمود. با این وجود مناطق حفاظت‌شده ارسباران با وسعتی بیش از ۸۰ هزار هکتار در استان آذربایجان، مراکان با وسعتی در حدود ۱۰۴ هزار هکتار و پناهگاه حیات وحش کیامکی با وسعت ۹۶ هزار هکتار در این منطقه مرزی واقع شده است. جنبش‌های ملی‌گرایی در هیچ کجا به اندازه جمهوری آذربایجان به روشنی مجال بروز نیافته است. رژیم حقوقی دریای خزر، نزدیکی ایران به ارمنستان، رقابت‌های معبری و همچنین استخراج نفت از دریای خزر نیز منابع تنش بین دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان هستند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

مرز ارمنستان به طول ۴۸ کیلومتر (۵/۰ درصد خط مرزی کشور) کوتاه‌ترین مرز مشترک ایران به‌شمار می‌رود (رضایی، ۱۳۸۴: ۶۲). ارمنستان کشوری کوهستانی می‌باشد و جنگل‌های وسیعی آن را پوشانده و رود ارس مهم‌ترین رودخانه جاری این کشور است. پناهگاه حیات وحش کیامکی به صورت مشترک در مرز ایران، آذربایجان و ارمنستان قرار دارد. ارمنستان، که در شمار کشورهای محصور در خشکی به حساب می‌آید، رابطه نزدیکی با ایران دارد. اما در این میان تنش‌هایی به‌صورت بالقوه و خفیف وجود دارد که از آن جمله می‌توان به منارعه ارمنستان و آذربایجان در خصوص قره‌باغ و ادعای ایجاد ارمنستان واحد در شرایط حضور شماری از ارمنی زبان‌ها در داخل ایران اشاره داشت (عزتی و همکاران، ۱۹۳: ۱۳۹۰).

مرز مشترک ایران با ترکیه ۶ درصد از کل مرز کشور را شامل می‌شود که ۶ درصد آن مرز آبی شامل رودخانه‌های قره‌سو (۲۵ کیلومتر) و نازلوچای (۱۰ کیلومتر) است (رضایی، ۱۳۸۴: ۶۷). ارتفاعات مهم مرزی این محدوده عبارت از آرات کوچک، زیندوداشی، آغداش، قانلی‌بابا، قلندر، میدان، کتول‌داغ، کوه‌شهیدان و سلسله جبال کردستان است. منطقه شکار ممنوع آغگل (۹۰ هزار هکتار) در ناحیه مرزی با ترکیه قرار دارد. رقابت منطقه‌ای از جمله رقابت اقتصادی برای به‌دست گرفتن بازارهای آسیای مرکزی و قفقاز، مسیر انتقال انرژی و نفوذ در بین کشورهای تازه‌استقلال‌یافته و مباحث فرهنگی از جمله منابع تنش بین ایران و ترکیه محسوب می‌شود. اما مسئله کردها یک منبع مهم و مورد مناقشه یا فرصتی برای هماهنگی و همکاری بین ایران و ترکیه باقی خواهد ماند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

مرز عراق ۱۷ درصد از مرز ایران را در برمی‌گیرد که از این میزان ۲۱ درصد آن مرز آبی شامل رودخانه گلاس (۳۰ کیلومتر)، رودخانه چومان (۱۵ کیلومتر)، رود ژاژاوه (۴/۵ کیلومتر)، رود سیروان (۴۲ کیلومتر)، رود قوره‌تو (۳۴ کیلومتر)، رود الوند (۵/۵ کیلومتر)، رود کنه کبود (۲۴/۵ کیلومتر)، رود کنگاگوش (۷/۵ کیلومتر)، رود تلخاب (۴ کیلومتر)، رود کنجان‌چم (۲۰/۵ کیلومتر)، رود میمه (۲/۵ کیلومتر)، رود دویرج (۲/۵ کیلومتر)، هورالعظیم (۶۴ کیلومتر)، نهرخین (۹ کیلومتر)، اروندرود (۸۴ کیلومتر)، بناواسوته - قزلیچه - خلیل‌آباد (۸/۵ کیلومتر) است (رضایی، ۱۳۸۴: ۸۴-۸۶). مناطق حفاظت‌شده هورالعظیم (۱۱۷ هزار هکتار)، کوسالان و شاهو (۵۷ هزار هکتار)، میرآباد (۱۱ هزار هکتار) و بوزین و مرخیل (۲۴ هزار هکتار) در محدوده مرزی عراق واقع شده است. برداشت آب از سرچشمه رودها، مسئله کردها، همچنین، رقابت دیرینه قومی و ملی‌گرایانه مبتنی بر ناسیونالیسم عرب می‌تواند از جمله تنش‌های بالقوه در این محدوده باشد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

از مجموع طول نوار مرزی ایران، بیش از ۳۲ درصد آن دریایی است. حدود ۸۰۰ کیلومتر مرز دریایی با ۴ کشور حاشیه خزر و حدود ۲۲۰۰ کیلومتر مرز دریایی با ۶ کشور کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات و عمان، مرزهای دریایی ایران را تشکیل می‌دهد. مسائل زیست محیطی، رژیم حقوقی دریای خزر، اختلاف نظر در برخی مرزهای دریایی و موضوع جزایر ایرانی، منابع انرژی و دیدگاه‌های متفاوت امنیتی از عمده کانون‌های تنش در محدوده مرزهای دریایی کشور محسوب می‌شود (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۹؛ عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

بسترهای حقوقی توسعه مناطق تحت حفاظت فرامرزی کشور

ایران پس از انقلاب اسلامی، تجارب متفاوتی در مرزهای مختلف خود داشته است، که از تنش‌های نظامی تا توسعه اقتصادی و مشکلات ناشی از نفوذ اشرار، قاچاق و حتی مشکلات محیط‌زیستی، طیف وسیعی را شامل می‌شود. لذا مناطق مرزی ایران در طول زمان و یا در مکان‌های متفاوت فرصت‌ها و تهدیدات متفاوتی را برای ثبات ملی و برنامه‌ریزی توسعه‌ای فراهم آورده است. توسعه مناطق تحت حفاظت فرامرزی، رویکردی مبتنی بر بهره‌مندی از فرصت‌ها است تا به پشتوانه آن هم به عدالت اجتماعی، فقرزدایی و توسعه کمک شود و هم امکانی برای تکمیل شبکه مناطق تحت حفاظت، به‌ویژه در بخش‌های کمتر شناخته‌شده کشور فراهم آید.

در این ارتباط پیش‌زمینه‌های قانونی مختلفی با منشأ ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد که به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد. در ایران یکی از سیاست‌های اصلی برنامه‌ریزی با توجه به اصول مورد توجه در قانون اساسی، رعایت عدالت اجتماعی است. طی این سال‌ها به‌رغم اجرای سیاست‌های اجرا شده از سوی مسئولان در جهت توسعه و عمران مناطق محروم، این سیاست‌ها به نتیجه کاملاً مطلوب نرسیده است. بنابراین، جهت ساماندهی توسعه این مناطق، اجرای درست و سنجیده عدالت اجتماعی، توجه به مناطق عقب‌مانده و چاره‌جویی برای مسئله تمرکزگرایی، ضوابط ملی آمایش سرزمین در حدود یک دهه پیش (۱۳۸۳/۸/۶) به تصویب هیأت وزیران رسید که یکی از ضوابط موجود در آن ملاحظات امنیتی و دفاعی است که از جنبه‌های مورد توجه برای توسعه در مناطق مرزی است. در فصل دوم قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در ماده ۷۵ توسعه مناطق مرزی با هدف تقویت همگرایی ملی و پیوند مناطق مرزی با اقتصاد ملی و فراملی مورد توجه قرار گرفته و ماده ۲۳ قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی (مصوب

- ۱۳۶۲/۵/۱۸) نیز به لزوم هماهنگی و همکاری دو یا چند کشور هم مرز اشاره دارد (دفتر حقوقی و امور مجلس، ۱۳۸۳: ۱۹۰، ۶۹؛ عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۰).
- از جمله کنوانسیون‌های فراملی که بستر همکاری‌های زیست‌محیطی و به‌ویژه توسعه مناطق تحت حفاظت فرا مرزی در کشور را مهیا می‌سازد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (دفتر حقوقی و امور مجلس، ۱۳۸۳):
- کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین‌المللی به ویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی (کنوانسیون تالاب‌ها) رامسر - ۱۹۷۱ (مصوب ۱۳۵۰، اصلاحات ۱۳۶۱ و ۱۳۶۶).
 - کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان یونسکو، ۱۹۷۲ (مصوب ۱۳۵۱).
 - کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع (تخلیه) مواد زاید و دیگر مواد لندن، ۱۹۷۲ (مصوب ۱۳۵۱).
 - کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی واشنگتن، ۱۹۷۳ (مصوب ۱۳۵۲).
 - کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط‌زیست دریایی و نواحی ساحلی در برابر آلودگی کویت، ۱۹۷۸ (مصوب ۱۳۵۷).
 - کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی، ۱۹۷۹ (مصوب ۱۳۵۸).
 - کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا (تغییرات اقلیمی) نیویورک، ۱۹۹۲ (مصوب ۱۳۷۱).
 - کنوانسیون تنوع زیستی ریودوژانیرو، ۱۹۹۲ (مصوب ۱۳۷۱).
 - کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره بیابان زدایی در کشورهای که به‌طور جدی با خشکسالی و یا بیابان‌زایی مواجه می‌باشند پاریس، ۱۹۹۴ (مصوب ۱۳۷۳).
 - پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون تغییرات اقلیم کیوتو، ۱۹۹۸ (مصوب ۱۳۷۶).
 - کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی خزر تهران، ۲۰۰۳ (مصوب ۱۳۸۲).

راهنمای انتخاب پارک‌های صلح

رویه بین‌المللی قابل قبولی برای استقرار پارک‌های صلح نظیر آنچه که درخصوص ثبت محوطه‌های میراث جهانی، سایت‌های رامسر یا ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره به‌کار می‌رود،

وجود ندارد. با این حال در کشورهای مختلف رویکردهای متنوعی برای تخصیص مکان‌هایی به عنوان پارک‌های صلح در مناطقی که سابقه‌ای از درگیری یا برقراری صلح وجود دارد در نظر گرفته شده و برخی از مناطق حفاظت‌شده مرزی نیز، پارک‌های صلح نامیده شده‌اند. به‌طور کلی می‌توان معیارهای زیر را که از سوی سازمان‌های جهانی ارائه شده است، به عنوان راهنمای موقت طراحی پارک صلح در نظر گرفت (Sandwith et al., 2001:5):

- حداقل باید دو ناحیه حفاظت‌شده آن‌گونه که از سوی آی یو سی ان تعریف شده است وجود داشته باشد که در یک مرز ملی یا تحت ملی مشترک باشند؛
 - علاوه بر دنبال کردن اهداف تنوع زیستی و فرهنگی باید قصد روشنی برای ترویج و برقراری صلح و ایجاد همکاری حین یا بعد از درگیری مسلحانه دارا باشد؛
 - لازم است توافق‌نامه‌های رسمی دو یا چندجانبه از سوی مراجع ذی‌صلاح برای کشورها یا حاکمیت‌های مربوطه در نظر گرفته شود؛
 - تمهیدات مدیریتی مشترکی باید از سوی نهادهای مسئول نواحی حفاظت‌شده اجرا شود؛
 - برنامه‌های مدیریت و توسعه باید با مشارکت طرفین از جمله تمامی ذی‌ربطان طراحی و اجرا گردد؛
 - دستورالعمل‌های همکاری نواحی فرامرزی در نواحی حفاظت‌شده باید به دقت از سوی طرفین مورد توجه قرار گیرد.
 - طرفین باید از طریق اصول پیش‌نویس نظام‌نامه نواحی حفاظت‌شده مرزی در زمان صلح و درگیری مسلحانه هدایت شوند.
 - به‌علاوه، می‌توان توصیه‌های عمومی که از سوی کمیسیون جهانی نواحی حفاظت‌شده سازمان جهانی حفاظت^۱ (WCPA) برای نواحی حفاظت‌شده فرامرزی ارائه شده است را مورد توجه قرار داد (Chester, 2008:10):
۱. شناسایی و ترویج ارزش‌های مشترک؛
 ۲. درگیر کردن و بهره‌مند نمودن مردم محلی؛
 ۳. جلب و حفظ حمایت تصمیم‌گیران؛
 ۴. ترویج فعالیت‌های هماهنگ و مشارکتی؛
 ۵. دستیابی به برنامه‌ریزی و توسعه هماهنگ نواحی حفاظت‌شده؛
 ۶. توسعه موافقت‌نامه‌های مشترک؛

1. World Close Protection Association (WCPA)

۷. فعالیت در جهت سرمایه‌گذاری پایدار؛

۸. پایش و ارزیابی پیشرفت؛

۹. مقابله با تنش و درگیری مسلحانه.

علاوه بر این، کمیسیون مذکور پیش‌نویس دستورالعملی را برای نواحی حفاظت شده در زمان صلح و درگیری مسلحانه پیشنهاد نموده که اساس الگوی تفسیری برای توافق‌نامه‌های دوجانبه در خصوص یک ناحیه حفاظت‌شده مرزی رسمی است.

اتحادیه بین‌المللی حمایت از طبیعت (آی یو سی ان) در حال حاضر به علت اهمیت و نقش کوه‌ها در حفظ تنوع زیستی (تنوع طبیعی و فرهنگی) در صدد است با در نظر گرفتن امتیازات ویژه برای کشورهای پیشگام، احداث مناطق حفاظت‌شده فرامرزی را توسعه بخشد. کوه‌ها در اغلب کشورها جدا از تأثیرات عمومی خود در شرایط اقلیمی و تأمین آب رودخانه‌ها به‌عنوان شریان‌های حیاتی هر کشور از کانون‌های اصلی اجتماعات گیاهی رلیک و آندمیک به شمار می‌روند. کوه‌ها یکی از زیست‌گاه‌های اصلی برای طیف گسترده‌ای از حیات وحش کوهزی محسوب می‌شوند. بسیاری از اجتماعات و گونه‌هایی که در جلگه‌ها از بین رفته‌اند هنوز کم و بیش در کوه‌ها به حیات خود ادامه می‌دهند. کوه‌ها از مراکز اصلی ذخایر ژنتیک می‌باشند و از نظر به‌نژادی پشتوانه‌ای برای خویشاوندان وحشی گونه‌های اهلی به‌شمار می‌روند. کوه‌های مرزی عموماً به دلیل موقعیت خود در حفظ این ذخایر ارزشمند بهتر از کوه‌های داخلی کشورها عمل کرده‌اند. از جمله رهنمودهای آی.یو.سی.ان. برای احداث و توسعه مناطق حفاظت شده کوهستانی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (آی. یو. سی. ان، ۱۹۹۲ در مجنونیان، ۱۳۷۹: ۶۸۸):

- هر کشور یا ایالت باید از مناطق حفاظت شده کوهستانی واقع در مرزهای خود با دیگر کشورها یا ایالات فهرست‌برداری به عمل آورده و آمار و اطلاعات مورد نیاز را به دست آورد. این فهرست‌برداری راهنمایی است از مجموعه شرایط برای این که فعالیت‌های مشترک مدیریت را سودمند سازد. مسائل مشترک باید در این فهرست‌برداری مدنظر قرار گیرد، به عنوان مثال مسیرهای مهاجرت گونه‌ها، حفظ جمعیت‌های انسانی کوچ‌رو و شبانان که به‌طور منظم از مرزها عبور می‌کنند از موارد قابل ذکرند.

- پارک‌های کوهستانی فرامرزی به عنوان مناطقی با اهمیت ویژه باید به وسیله کشورها هر چه زودتر به رسمیت شناخته شوند و موافقت‌نامه‌های مدیریت مشترک در مورد آن‌ها تهیه و تدوین شود.

- ارتقای سطح حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی مناطق حفاظت‌شده کوهستانی مرزی.
- رعایت احترام به حاکمیت هر یک از کشورهای همجوار و ذی‌ربط در مناطق حفاظت‌شده کوهستانی.
- اجرای قوانین فرامرزی (از جمله زمینه تهیه و تدوین موافقت‌نامه مشترک در خصوص پیگیری و مقابله با تخلفات و شکار غیر مجاز).
- موافقت‌نامه مشترک برای مدیریت آب‌خیز، کنترل بیماری‌های گونه‌ها، نجات گونه‌ها، مدیریت حریق، جلوگیری از بیماری حیات وحش، مدیریت گونه‌ها و سایر موارد.
- ثمربخشی حفاظت از طریق همکاری‌های مشترک در زمینه پژوهش، استفاده از مهارت‌های پژوهشی، تسهیلات و اطلاعات متقابل می‌تواند افزایش یابد.
- حمایت از مفهوم مناطق حفاظت‌شده کوهستانی فرامرزی از طریق فراهم‌آوری اطلاعات برای مردم، جلب همکاری سیاست‌مداران، گروه‌های مشاور، مراجع محلی، کارگزاران اقتصادی می‌تواند ترویج پیدا کند.

نتیجه‌گیری

ایران از موقعیت ممتاز جغرافیای سیاسی در آسیای جنوب غربی و خاورمیانه برخوردار است و آسیای میانه و حوزه قفقاز را به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس پیوند می‌دهد. تمام پهنه‌های دریایی ایران، بخشی از مرزهای سیاسی آن را می‌سازد و سهم این دسته از مرزها در میان دیگر انواع قابل توجه است. تنوع ناهمواری‌ها، تنوع شکل مرزها (کوهستانی، دشتی، رودخانه‌ای و دریایی)، طول زیاد مرزها، تنوع زیستگاه‌های طبیعی، تنوع حیات وحش، دست‌نخورده بودن نسبی مناطق مرزی، تنوع فرهنگی در بخش‌های مختلف مناطق مرزی و حضور ۱۸ منطقه مهم تحت مدیریت محیطی زیست در مناطق مرزی، تعریف شدن محدوده‌هایی متعدد با عرض یا طول معین در مناطق مرزی به عنوان مناطق شکار ممنوع^۱، ظرفیت‌های بسیاری را برای توسعه مناطق فرامرزی در کشور فراهم آورده است. برنامه‌ریزی در مناطق مرزی به سبب پیچیده بودن عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی، نیازمند رویکردهای حاکمیتی و تغییر دیدگاه به مرز از یک موقعیت بالقوه تهدیدآمیز به یک فضای جغرافیایی توأم با فرصت است. بدیهی است محیط زیست مناطق مرزی کشور از ظرفیت لازم برای توسعه روابط

۱. ۲۰ کیلومتر از نوار مرز ایران و افغانستان، منطقه شکار ممنوع در مرز باجگیران، طول ۳۹۵ با عرض ۷ کیلومتر از منطقه مرزی ایران و جمهوری آذربایجان عرض ۱۰ کیلومتری در مرز ایران و عراق (همجوار با استان ایلام).

برون مرزی به‌ویژه با تکیه بر توسعه پارک‌های صلح به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین مناطق تحت حفاظت فرامرزی برخوردار است. دست کم پنج منطقه تحت حفاظت در مناطق مرزی کشور به شرح زیر برای ایجاد پارک صلح وجود دارد:

۱. منطقه حفاظت شده^۱ هورالعظیم، در مرز ایران و عراق
۲. منطقه حفاظت شده هامون، در مرز ایران و افغانستان
۳. منطقه حفاظت شده ارسباران، در مرز ایران و جمهوری آذربایجان
۴. منطقه حفاظت شده سرانی، در مرز ایران و ترکمنستان
۵. پناهگاه حیات وحش^۲ کیامکی، در مرز ایران و ارمنستان

برنامه‌ریزی فضایی، تحدید حدود، مرزبندی، ناحیه‌بندی، طراحی، برنامه‌ریزی اجرایی پارک‌های صلح، مستلزم عزم سازمان حفاظت محیط زیست با هماهنگی دستگاه‌های سیاست‌گذار در توسعه مناطق مرزی کشور است. با این وجود از لحاظ فنی و تخصصی، شناسایی و اولویت‌بندی مناطق یادشده و یا دیگر مناطق تحت حفاظت احتمالی با تکیه به ارزیابی چند معیاره اقدامی است که متخصصان محیط زیست کشور برای بسترسازی لازم جهت تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران می‌توانند به انجام رسانند.

منابع

۱. اردکانی، م (۱۳۸۲)، اکولوژی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. دفتر حقوقی و امور مجلس (۱۳۸۳)، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۳. رضایی، غ (۱۳۸۴)، شناسایی مرزهای ایران، تهران: جهان جام جم.
۴. عزتی، ن؛ ا، حیدری‌پور و ن، اقبالی (۱۳۹۰)، نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی. فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ش: ۴، ص: ۱۹۶-۱۷۹.
۵. عندلیب، ع و ش، مطوف (۱۳۸۸)، توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، باغ‌نظر، ش: ۱۲، ص: ۶۷-۵۷.
۶. مجنونیان، ه (۱۳۷۹)، مناطق حفاظت شده ایران، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران.

۱. اراضی که از نظر حفاظت محیط زیست دارای ارزش استراتژیک هستند و به منظور حراست، ترمیم و احیای حیات جانوری و گیاهی و جلوگیری از انهدام تدریجی آن‌ها انتخاب می‌شوند (مجنونیان، ۱۳۷۹: ۶).

۲. مناطقی از انواع زیست‌گاه‌های نمونه که برای حمایت از جمعیت‌ها و گونه‌های حیات وحش با اهمیت ملی انتخاب می‌شوند (مجنونیان، ۱۳۷۹: ۶).

۷. مجنونیان، ه (۱۳۸۰)، پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست ایران.

8. Awali, A and J, Nam. (2008), Marine Peace Parks: Establishing Transboundary MPAs to Improve International Relations and Conservation. *International News and Analysis on Marine Protected Areas*, v: 9:1.
9. Ali, S (Editor), (2007), *Peace Parks: Conservation and Conflict Resolution*, MIT Press, Cambridge, England.
10. Ali, S. (2011), *Transboundary Conservation and Peace-building: Lessons from forest biodiversity conservation*, International Tropical Timber Organization (ITTO) and the United Nations University Institute of Advanced Studies (UNU-IAS), Yokohama, Japan
11. Barquet, K; P, Lujala and J, Ketil Rød. (2010), *Transboundary conservation and militarized interstate disputes*, "Climate Change and Security" conference, organized for the Royal Norwegian Society of Sciences and Letters on its 250th Anniversary.
12. Trondheim, Norway 21-24 June 2010 Budowski, G. (2003), *Transboundary Protected Areas as a Vehicle for Peaceful Co-Operation*. The workshop on Transboundary Protected Areas in the Governance Stream of the 5th World Parks Congress, Durban, South Africa.
13. Carius, A (2007), *Environmental Peace Building: Conditions for Success*, in *Environmental Change and Security Program Report*, Issue 12.
14. Carius, Alexander; (2006), *Environmental Cooperation as an Instrument of Crisis Prevention and Peace Building: Conditions for Success and Constraints*. German Federal Ministry for Economic Cooperation and Development (BMZ), Berlin, Germany.
15. Charles, C ; J, Dontje and William C.G. B. (2008), *Transboundary protected areas*. In: *Encyclopedia of Earth* Washington, (2006).
16. Dabelko, G. (2006), *From Threat to Opportunity: Exploiting Environmental Pathways to Peace*, Conference of Environment, Peace and the Dialogue Among Civilizations and Cultures, Iran, Tehran, p:10.
17. Fall, J. (2006), *Designing framework conventions to promote and support transboundary protected areas: theory and practice from the Carpathian Convention*. G. Tamburelli, *Biodiversity and Protected Areas: The Evolution of the Italian and Ukrainian Legislation*, Giuffrè: Milano.
18. Hsaio, E. (2010), *Peace Parks for Mountain Forests: The Law and Policy of Transforming Conflict to Stewardship*, Mcs Thesis in Environmental Law, Pace University School of Law, New York, USA.
19. Knight, M; P, Seddon and A, Al Midfa. *Transboundary conservation initiatives and opportunities in the Arabian Peninsula*. *Zoology in the Middle East*, Kasperek Verlag, Heidelberg, 3: 183–195.
20. Mittermier, R; C, Kormos; C , Goettsch; P, Rob Gil; T, Sandwith; C. Besançon. (2005), *Transcountry Conservation, A new Vision for Protected Areas*. CEMEX Books on Nature, Mexico.
21. Mulongoy, K., S. Chape (2004): *Protected Areas & Biodiversity: An Overview of Key Issues*. UNEPWCMC Biodiversity Series No. 21. P. 52.

22. Sandwith, T; C, Shine; H, Lorence and D, Sheppard. (2001), Transboundary Protected Areas for Peace and Co-operate. The World Conservation Union, Gland, Switzerland.
23. Sandwith, T., C. Besançon. (2005), Trade-offs among multiple goals for transboundary conservation in: Parks for Peace or Peace for Parks? Environmental Changes and Security Program, issue 11. Woodrow Wilson International Center for Scholars, Washington D.C, USA.
24. Sandwith, T., C. Besançon. 2007. Political Benefits: contributing to conflict resolution. Report for Equilibrium Consulting. 9 pp.
25. Sheppard, D. (2001), Conservation without Frontiers: The Global View. The George Wright FORUM, V: 17:70-80.
26. Schoon, Michael L. (2005), "Do Parks Harm More Than They Help? The Role of Peace Parks in Improving Robustness in Southern Africa", published as a chapter in USGS Scientific Investigations Report.
27. Trono, R and Cantos, J. (2002), Conserving Migratory Species through Ecoregion Conservation Approach: The Case of Sea Turtles in Sulu-Sulawesi, Tropical Coasts Magazine: 45.
28. UNEP.(2009), .From conflict to peace building: The role of natural resources and the environment. The United Nations Environment Program.
29. Vasiljević, M. (2011), Transboundary Conservation A Global Context.in: Crossing Borders for Nature. IUCN, Gland, Switzerland and Belgrade, Serbia
30. Wolmer, W. (2003), Transboundary Conservation: The Politics of Ecological Integrity in the Great Limpopo Transfrontier Park. Sustainable Livelihoods in Southern Africa Programme, Environment Group, Institute of Development Studies, University of Sussex, Brighton BN1 9RE, United Kingdom.